

## مبحث: جزوه جامع عربی دهم

**ذاک هو الله: آن همان خداست.**

**الدرس الأول:**

**موضوع الدرس: مراجعة دروس الصف السابع والثامن والتاسع: مرور درس‌های کلاس هفتم، هشتم و نهم.**

مهم‌ترین موضوعاتی که در این قسمت بررسی می‌شود عبارتند از:

۱- انواع فعل در زبان عربی ۲- کاربرد اعداد شمارشی و ترتیبی

**انواع فعل در زبان عربی:**

فعل در زبان عربی بر اساس زمان به سه نوع تقسیم می‌شود: ۱- ماضی ۲- مضارع ۳- امر

۱- فعل ماضی (گذشته): بیان‌گر انجام کاری یا پدیدآمدن حالتی در زمان گذشته است. مثال:

انجام کار → نَصَرَ: یاری کرد پَدِيدَآمدَنْ: حالت شَجَعَ: شجاع شد

**علامت‌های فعل ماضی:**

۱- ضمائر پیوسته فاعلی<sup>۱</sup> (شناسه‌های فعل در زبان فارسی):

صیغه‌های جمع	صیغه‌های مفرد
نَصَرَنَا: کمک کردیم	نَصَرْتُ: کمک کردم
نَصَرَتْمَا - نَصَرَتْمَ - نَصَرَتْنَ: کمک کردیم	نَصَرْتَ - نَصَرْتِ: کمک کردی
نَصَرَ - نَصَرَتَ - نَصَرَوَا - نَصَرَنَ: کمک کردند	نَصَرَ - نَصَرْتُ: کمک کرد

<sup>۱</sup> - با توجه به اینکه فعل نحی، همان امر منفی و فعل آینده همان مضارع است که فقط (س و سوف) با ابتدای آن افزوده می‌شود، به شکل مجزا جزو تقسیم‌بندی انواع فعل به حساب نمی‌آیند.

۲ - این ضمائر غالباً فاعل فعل هستند.

## مبحث: جزوه جامع عربی دهم

۲- اگر فعلی در زبان عربی علامت (ت) داشته باشد، حتماً ماضی است: ذهبت - گتبت.....  
اکنون به سوالات زیر پاسخ دهید.

- |   |                                   |                                   |
|---|-----------------------------------|-----------------------------------|
| ۱. المُعَلَّمُ ..... صَفَةٌ.              | <input type="checkbox"/> دَخَلَ   | <input type="checkbox"/> دَخَلْتُ |
| ۲. الْطَّفْلَةُ ..... مَعَ صَدِيقَاتِهَا. | <input type="checkbox"/> لَعِبَتْ | <input type="checkbox"/> لَعِبْتُ |
| ۳. أَنَا ..... الْمَحْصُولُ.              | <input type="checkbox"/> حَصَدَ   | <input type="checkbox"/> حَصَدْتُ |
| ۴. أَنْتَ ..... الشَّجَرَةُ.              | <input type="checkbox"/> صَعَدَ   | <input type="checkbox"/> صَعِدْتَ |
| ۵. أَنْتِ ..... جَوَالِكِ؟                | <input type="checkbox"/> وَجَدَتِ | <input type="checkbox"/> وَجَدْتُ |

## انواع فعل ماضی:

فعل گذشته در زبان فارسی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از: گذشته ساده - گذشته نقلی - گذشته استمراری - گذشته بعيد. در زبان عربی چنین نامگذاری‌هایی برای فعل ماضی وجود ندارد، ولی ساختارهایی وجود دارد که معادل معنایی این زمان‌هاست.

۱- ماضی ساده: این فعل بیانگر کاری است در گذشته انجام شده و ارتباط آن با زمان حال قطع شده است: یاری کرد - نوشت..... این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

آ) ماضی ساده مثبت: ریشه فعل + ضمیر پیوسته یا پنهان.

مثال: نصر - کتبت.....

ب) ماضی ساده منفی: ما + فعل ماضی / لم + فعل مضارع.  
مثال: ما نَصَرَ - ما كتبت / لم يَنْصُرَ - لم تكتب

مبحث: جزوه جامع عربی دهم

ترجمه درست را انتخاب کنید.

۱. آنَا مَا رَجَعْتُ إِلَى بَيْتِي.

من به خانه ام باز نگشتم.

۲. أَنْتَ فَعَلْتَ وَاجِبَاتِكَ.

تو تکالیف را انجام می‌دهی.

۳. أَنْتَ غَسَلْتِ مَلَابِسِكَ.

تو لباس‌هایت را شستی.

۴. هُوَ لَعِبَ مَعَ صَدِيقِهِ.

او پیش دوستش بازی می‌کند.  او همراه دوستش بازی کرد.

۲- ماضی نقلی: این فعل بیانگر کاری است در گذشته انجام شده و اثرش تاکنون نیز ادامه دارد: یاری کرده است \_ نوشته است - ..... این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

۱) ماضی نقلی مثبت: قد + فعل ماضی

مثال: قد نَصَرَ - قد كَتَبْتُ.....

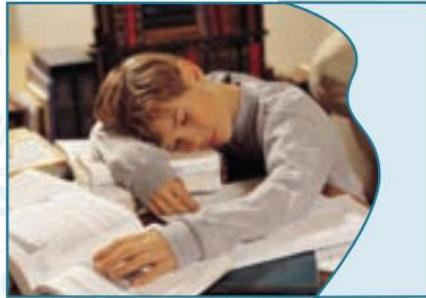
۲) ماضی نقلی منفی: ما + فعل ماضی + بعد / مَا + فعل مضارع

مثال: ما نَصَرَ بَعْدُ - ما كَتَبْتُ بَعْدُ / مَا يَنْصُرُ - مَا تَنْصُرَ

۳- ماضی استمراری: این فعل بیانگر کاری است در گذشته به صورت مداوم و مستمر انجام می‌شده است: یاری می‌کرد - می‌نوشت.....

مبحث : جزوہ جامع عربی دهم

بخوانید و ترجمه کنید.



کان **الْعَمَالُ** يَصْنَعُونَ بَيْتًا وَ هُمُ الْآنَ واقِفُونَ. کانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ واجِباتِهِ؛ فَأَخَذَهُ النَّوْمُ.

این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

ا) ماضی استمراری مثبت: کان + فعل مضارع.

مثال: کانَ يَنْصُرُ - كُنْتَ تَكْتُبُ...

ب) ماضی استمراری منفي: ما + کانَ + فعل مضارع / لم + مضارع کان + فعل مضارع

مثال: ما کانَ يَنْصُرُ - ما كُنْتَ تَكْتُبُ / لم يَكُنْ يَنْصُرَ - لم تَكُنْ تَكْتُبَ...

جدول زیر را کامل کنید.

سَمِعَ	شَنِيد	يَسْمَعُ	مَشْنُود	يَسْمَعُ	مَشِنِيد
أَنْقَدَ	نجات داد	يُنْقِذُ	.....	كَانَ يُنْقِذُ	.....
إِشْتَغَلَا	کار کردند	يَشْتَغِلَانِ	.....	کانا يَشْتَغِلَانِ	.....
حاَوَلوا	تلاش کردند	يُحاوِلُونَ	.....	کانوا يُحاوِلُونَ	.....
حَضَرَتا	حاضر شدند	هُما تَحْضُرَانِ	.....	کانتا تَحْضُرَانِ	.....
ساعَدوا	کمک کردند	يُساعِدونَ	.....	کانوا يُساعِدونَ	.....

مبحث: جزوه جامع عربی دهم

۴- ماضی بعید: این فعل بیانگر کاری است در گذشته دور انجام شده است: یاری کرده بود - نوشته بودی...

این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

ا) ماضی بعید مثبت: کان + (قد) + فعل ماضی

مثال: کان (قد) نَصَرَ - كُنْتَ (قد) نَصَرَتَ....

ب) ماضی بعید منفی: ما + کان + (قد) + فعل ماضی / لم + مضارع کان + فعل ماضی.

مثال: ما کان (قد) نَصَرَ - ما كُنْتَ (قد) نَصَرَتَ... / لم يَكُنْ نَصَرَ - لم تَكُنْ تَنَصَّرَ...

۲- فعل مضارع: فعلی است که بیانگر انجام کاری یا پدیدآمدن حالتی در زمان حال یا آینده است.

انجام کار: يَنْصَرُ: یاری می‌کند (الآن یا آینده) پدیدآمدن حالت: يَسْجُعُ شجاع می‌شود (الآن یا آینده)

علامت‌های فعل مضارع:

۱- حروف مضارعه (ت - ی - ن - ا) در ابتدای فعل: تَعْرِفُ - يَعْرِفُ - نَعْرِفُ - أَعْرِفُ

۲- حرکات ضمه ، فتحه و ساکن یا حرف (ن) در انتهای فعل:

حرکات ضمه ، فتحه و ساکن: تَعْرِفُ - لم يَعْرِفُ - لن نَعْرِفَ - لا أَعْرِفُ

حرف (ن): يَعْرَفَانِ - تَعْرَفَانِ - يَعْرَفُونَ - تَعْرَفُونَ - تَعْرِفَينَ

## مبحث: جزوه جامع عربی دهم

## نکته ۱: نحوه کاربرد حروف مضارعه در ابتدای فعل مضارع:

ت	در فعلهای متناسب با ضمائری که با لفظ «أنت» شروع می‌شود و برای ضمیر (هي - هما) مونث	أنت تعرف - أنت تعرفين أنتما تعرفان - أنتم تعرفون أنتن تعرفن هي تعرف - هما تعرفان (مونث)
ي	در فعلهای متناسب با ضمائری که با لفظ «هـ» شروع می‌شود (به غیر از ضمیر (هي - هما) مونث)	هو يعرف - هما يعرفان (مذكر) هم يعرفون - هن يعرفن
ن	در فعل متناسب با ضمیر «أنا»	أنا أعرف
۱	در فعل متناسب با ضمیر «نحن»	نحن نعرف

## نکته ۲: نحوه کاربرد حرکت ضمه و فتحه و حرف (ن) در انتهای فعل مضارع:

ن	در فعلهای <b>دارای</b> ضمیرهای پیوسته (۱ - و - ي) مثال: هما تعرفان (مونث) - هما يعرفان (مذكر)- أنتما تعرفان- هم يعرفون-أنتم تعرفون- أنت تعرفين	
حرکت ضمه، فتحه و ساکن	در فعلهای <b>بدون</b> ضمیرهای پیوسته (۱ - و - ي) مثال: هو يعرف - هي لن تعرف - أنا لا أعرف - نحن لم نعرف	

## مبحث: جزوه جامع عربی دهم

● کدام فعل مناسب ضمیر داده شده است؟

۱. هُمْ: صَبَرْتُمْ □ عَبَرْتُنَّ □ عَرَفُوا □ عَلِمْنَا □

۲. أَنْتُمْ: يَعِيشُونَ □ تَظْلِمُونَ □ يَطْبُخُنَ □ تَضَحَّكُينَ □

۳. نَحْنُ: نَغْسِلُ □ يَغْفِرُونَ □ أَفْتَحُ □ تَفْتَحْنَ □

۴. هُمَا: قَيْلُتُمَا □ قَرُبْث □ قَدَرْنَا □ فَعَلَاتَا □

۵. هِيَ: تَكْتُمْنَ □ تَقْذِفُ □ يَكْذِبَانِ □ نَلْبَسْ □

## ۳- فعل امر

فعلی است که بوسیله آن به شخص یا اشخاصی دستور می‌دهیم که کاری را انجام دهد. از آنجا که دستور انجام کار به شخص یا اشخاصی داده می‌شود که در حضور ما هستند، به همین علت، فعل امر از فعلهای مضارع دوم شخص (فرد و جمع) ساخته می‌شود.

## روش ساختن فعل امر:

۱- در ابتدای حرف مضارعه (ت) را از ابتدای فعل مضارع حذف می‌کیم. اگر بعد از این حذف، یک حرف دارای حرکت ساکن (\_\_\_\_\_ ) باقی بماند، حتماً از یک (همزه امر) برای کاربرد این فعل استفاده می‌کیم؛ زیرا ابتدای به ساکن ممکن نیست. مثال:

تَجَلِّس — ← إِجْلَس ← إِذْهَب ← تَذَهَّب —

اگر حرف دوم فعل (فتحه یا کسره) داشته باشد، همزه امر کسره و اگر (ضمه) داشته باشد، ضمه می‌گیرد. مثال:

تَذَهَّب — ← إِذْهَب ← تَجَلِّس — ← إِجْلَس ← تَنْصُر — ← لِئَصْر —

۲- آخر فعل امر نیز به این شکل تغییر می‌کند:

ضمه(\_\_\_\_\_) ← ساکن (\_\_\_\_\_) : تَكْتُب — ← أَكْتُب —

(ن) حذف می‌گردد {به غیر از ضمیر جمع مونث}:

ترجِعَانِ — ← إِرْجِعاً — تَخْرَجَنَ — ← إِخْرَجْنَ — تَرْجِعُونَ — ← إِرْجِعَوْنَ — تَرْجِعَيْنَ — ← إِرْجِعَيْنَ —

www.3gaam.com

مبحث : جزوه جامع عربی دهم

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يَا أَصْدِقَائِي، رَجَاءً، أُخْرُجُوكُمْ مِّنَ الْمَكْتَبَةِ.

يا صديقائي، رجاءً، اخرجوها من الصف.

● آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعلهای امر را معلوم کنید.

۱. هُنَّ رَبُّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ۱۶ القصص

۲. قَالَ اللَّهُ لِمُوسَى وَهَارُونَ هُنَّ إِذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ هُنَّ طَهْرٌ

۳. هُنَّ رَبُّ اغْفِرْ وَأَرْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ۱۱۸ المؤمنون

مبحث: جزوه جامع عربی دهم

فعل نهی: فعلی است که بوسیله آن به شخص یا اشخاصی دستور می‌دهیم که کاری را انجام ننده. از آنجا که دستور انجام کار به شخص یا اشخاصی داده می‌شود که در حضور ما هستند، این فعل نیز همانند فعل امر از فعل‌های مضارع دوم شخص (فرد و جمع) ساخته می‌شود.

روش ساختن فعل نهی:

۱- حرف (لا) نهی را در ابتدای فعل مضارع قرار می‌دهیم.

۲- انتهای فعل نهی را همانند فعل امر تغییر می‌دهیم.

ضممه (—) ← ساکن (—) : تکتب ← لا تكتب ← ضمه (—) ← (ن) حذف می‌گردد {به غیر از ضمیر جمع مونث}: ← ترجمان ← لا ترجمعا ← ترجمون ← لا ترجمي ← ترجمن ← لا تترجمن

«لَا تَنْظُرُوا إِلَى كُثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمَاهُمْ وَكُثْرَةِ الْحَجَّ  
وَلِكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ.»

مبحث : جزوه جامع عربی دهم

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَجْلِسْنَ هُنَاكَ؛ إِجْلِسْنَ هُنَا.

لا تَكْسِفُوا عَيْوَبَ أَصْدِقَائِكُمْ.



لا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.

لا تَدْهَبْ مِنْ هُنَا.

مبحث: جزوه جامع عربی دهم

فعل مستقبل (آینده):

فعل مستقبل بیانگر انجام کاری یا پدیدآمدن حالتی است که به طور ویژه به زمان آینده اختصاص دارد. این فعل در واقع یک فعل مضارع است که با افزودن (س: آینده نزدیک - سوف: آینده دور) به ابتدای آن به زمان آینده مرتبط می‌شود. مثال:

أنا سأَتَصلُّ بِكَ فِي السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ قَرِيبًا : من به زودی، ساعت نه با تو تماس خواهم گرفت. (آینده نزدیک)

أنا سوف أَتَصَلُّ بِكَ فِي الْأَسْبُوعِ الْقَادِمِ: من در هفته آنده با تو تماس خواهم گرفت. (آینده دور)

اکنون با توجه به موارد مطرح شده درباره ساختار و ترجمه فعلها در زبان عربی به سوالات زیر پاسخ دهید.

آيات و احادیث زیر را ترجمه کنید:

۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَآنَكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَآنَكَ تَمُوتُ غَدًا». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برای (دنیا  دنیا  ) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می‌کنی  لذت می‌بری  ) و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می‌میری  نزدیک است بمیری  ).

۲- «أُنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ». أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

به آنچه گفته است (بنگر  می‌نگرم  ) و به آن که گفته است (زنگر  نمی‌زنگرم  ).

۳- ... لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابِ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ... ﴿ ۶۷﴾ يَوْسُفُ

۴- أُطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّينِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوكَ؛ فَاجْعِلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

## مبحث: جزوه جامع عربی دهم

## اعداد اصلی و ترتیبی

اعداد در همه زبان‌ها کاربرد دارد و از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. آنچه بوسیله این عدد شمارش می‌شود معدود نام دارد. زبان عربی نیز از این موضوع مستثنی نیست و با ظرفات و دقت خاصی به این موضوع پرداخته است. اعداد در زبان عربی با توجه به کاربردشان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- اعداد اصلی: برای شمارش موارد مختلف (انسان، حیوان و اشیاء) مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- ۲- اعداد ترتیبی: برای بیان ترتیب موارد مختلف (انسان، حیوان و اشیاء) به کار می‌روند.

الف) اعداد اصلی: این عدد به دو شکل مذکر (بدون ة) و مونث (غالباً با ة) تقسیم می‌شوند. در مقطع متوسطه اول با این اعداد آشنا شدید:

عدد	مذكر	مونث	ترجمه
۱۲	إثنا عشر	إثنتا عشرة	دوازده
۱۱	أحد عشر	إحدى عشرة	یازده
۱۰	عشر	عشرة	ده
۹	تسع	تسعة	نه
۸	ثماني	ثمانية	هشت
۷	سبع	سبعة	هفت
۶	ست	ستة	شش
۵	خمس	خمسة	پنج
۴	أربع	أربعة	چهار
۳	ثلاث	ثلاثة	سه
۲	إثنان	إثنان	دو
۱	واحد	واحدة	یک

نکته: عدد ۱ و ۲ بعد از معدود به کار می‌روند. مثال: إشتريت كتبين إثنين: دو کتاب خریدم.

- 
- <sup>۱</sup>- در زبان عربی به موضوع مذكر و مونث بودن عدد و معدود توجه می‌شود.
  - <sup>۲</sup>- عدد ۲ به عنوان یک کلمه منفرد به دو شکل به کار می‌رود: إثنان - إثنان - إثنين - إثنين.
  - <sup>۳</sup>- جزء اول عدد ۱۲ عربی، عدد ۲ است و طبق قوانین این عدد نوشته می‌شود.
  - <sup>۴</sup>- جزء اول عدد ۱۱ در عربی بوسیله (ی) مونث می‌شود.

مبحث: جزوه جامع عربی دهم

- گزینه صحیح را انتخاب کنید:

أربعة

عشرة

۱. گم **أسبوعاً** في الشّهْر؟

اثنان

ستة

۲. گم صفاً في المَرْحَلَةِ الْابْتِدَائِيَّةِ؟

ب) اعداد ترتیبی: این اعداد همیشه بعد از محدودشان به کار می‌روند. اعداد ترتیبی ۱۱ تا ۱۲ به این شکل است:

عدد	يکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم
مذکور	أول	ثاني	ثالث	رابع	خامس	سادس	سابع	ثامن	تاسع	عاشر	حادي عشر	ثاني عشر
مونث	أولى	ثانية	ثالث	رابعة	خامسة	سادسة	سابعة	ثامنة	تاسعة	عاشرة	حادية عشرة	ثانية عشرة

موارد کاربرد اعداد ترتیبی:

جواب: الخامسة تماماً

۱- ساعت خوانی: مثال: کم ساعه آن؟

۲- آدرس دهنی: مثال: أين بيت السيد كاظمي؟ جواب: البيت الخامس في هذا الشارع. (خانه پنجم در این خیابان)

ساعت خوانی

ساعت خوانی در زبان عربی به یکی از این سه حالت خوانده می‌شود:

ساعت كامل: ساعت: ٥ ← الخامسة تماماً

ساعت: ٥:٣٠ ← الخامسة والنصف

ساعت + دقایق گذشته: ساعت: ٥:١٥ ← الخامسة والربع

ساعت - دقایق مانده: ساعت: ٤:٤٥ ← الخامسة إلا ربعاً

استاد : دكتور نعمت الله مقصودي

مبحث : جزوه جامع عربى دهم

ترجمه کنید.

- الحاديَّةُ عَشْرَةً تَمَامًاً : ..... العاشرُهُ وَ الرُّبُعُ : .....  
الثَّانِيَةُ عَشْرَةً تَمَامًاً : ..... الواحِدَهُ وَ النِّصْفُ :

www.3gadam.com

## مبحث: جزوه جامع عربی دهم

الدرس الثاني:

**المواعظ العددية من رسول الله (ص): نصيحتهای عددی از پیامبر خدا (ص)****موضوع الدرس: الأعداد من الواحد إلى المائة (الأعداد يك تا صد)**

در این درس به موضوع اعداد به طور مفصل‌تری می‌پردازیم. قبل ایادگرفتیم که اعداد با توجه به کاربردشان به دو گروه اساسی تقسیم می‌شوند:

۱- اعدادی که برای شمارش استفاده می‌شوند ← اعداد اصلی (شمارشی)

۲- اعدادی که برای بیان ترتیب استفاده می‌شوند ← اعداد ترتیبی

در سال‌های گذشته از هر دو گروه عدد در زبان عربی، با معادل اعداد ۱ تا ۱۲ و کاربرد آنها آشنا شدیم. در این درس قصد داریم که معادل اعداد اصلی و ترتیبی ۱۳ تا ۱۰۰ را یاد بگیریم.

عدد (اصلی - ترتیبی) در زبان عربی از لحاظ ساختاری به انواعی تقسیم می‌شود:

۱- اعداد مفرد: به اعدادی گفته می‌شود که دارای ساختار تک‌جزیی‌اند. این اعداد شامل: ۱ تا ۱۰ و صد، میلیون و میلیارد می‌شود. معادل این اعداد در جدول زیر بیان شده است:

اعداد اصلی ۱ تا ۱۰

عدد	يك	دو	سه	چهار	پنج	شش	سبعين	هفت	هشت	نه	ده
مذكر	واحد	إثنان	ثلاث	أربع	خمس	ست	سبعين	سبعين	سبعين	سبعين	سبعين
مونىث	واحدة	إثنان	ثلاثة	أربعة	خمسة	ستة	سبعين	سبعين	سبعين	سبعين	سبعين

اعداد ترتیبی ۱ تا ۱۰

عدد	يكم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ش السادس	سابع	ثامن	تاسع	عاشر	دهم	نهم
مذكر	أول	ثاني	ثالث	رابع	خامس	سادس	سابع	ثامن	تاسع	عاشر	دهم	نهم
مونىث	أولي	ثانية	ثالثة	رابعة	خامسة	سادسة	سابعة	ثامنة	تاسعة	عاشرة	دهم	نهم

<sup>۷</sup> - عدد ۲ به عنوان یک کلمه مثنی به دو شکل به کار می‌رود: إثنان - إثنين - إثنین.

مبحث: جزوه جامع عربی دهم

نکته ۱: عدد ۱ و ۲ به عنوان صفت و به منظور تأکید بعد از محدود خود می‌آیند؛ زیرا هر اسم مفردی بر یک بودن و هر اسم مثنایی بر دو بودن دلالت می‌کند.

مثال:

اشتریتُ کتابینِ إثنینِ من المعرض: دو کتاب از نمایشگاه خریدم.

لی مقالاتانِ إثنتانِ فی هذه المجلة العلمية: من دو مقاله در این مجله علمی دارم.

۲- اعداد مرکب: به اعداد ۱۱ تا ۱۹ که به صورت ترکیبی به کار می‌روند عدد مرکب می‌گویند.

اعداد اصلی ۱۱ تا ۱۹

عدد	یازده	دوازده	سیزده	چهارده	پانزده	شانزده	هفده	هجهده	نوزده
مذکور	احد عشر	إثنا عشر	ثلاث عشر	أربع عشر	خمس عشر	ست عشر	سبعين	ثماني عشر	تسع عشر
موئت	إحدى عشرة	ثلاثة عشرة	أربعة عشرة	خمسة عشرة	ستة عشرة	سبعين	ثماني عشرة	تسعة عشرة	تسعة عشرة

فی هذا الصف أحد عشر طالباً: در این کلاس یازده دانشجو وجود دارد.

کان لی خمسة عشرة زميلة في الصف العاشر: من در کلاس دهم پانزده همکلاسی داشتم.

اعداد ترتیبی ۱۱ تا ۱۹

عدد	یازدهم	دوازدهم	سیزدهم	چهاردهم	پانزدهم	شانزدهم	هفدهم	هجهدهم	نوزدهم
مذکور	حادي عشر	ثاني عشر	ثالث عشر	رابع عشر	خامس عشر	سادس عشر	سابع عشر	ثامن عشر	تاسع عشر
موئت	حادية عشرة	ثالثة عشرة	رابعة عشرة	خامسة عشرة	سادسة عشرة	سبعين	سابعة عشرة	ثامنة عشرة	تسعة عشرة

<sup>۸</sup> - جزء اول عدد ۱۱ در عربی بوسیله (ی) موئث می شود.

www.3gaaam.com

مبحث: جزوه جامع عربی دهم

۲- اعداد عقود: به اعدادی گفته می‌شود که از عدد ۲۰ به بعد به صورت دسته ۵۵ تایی شمرده می‌شوند. این اعداد مانند اسم جمع مذکر سالم با (ون - ین) به کار می‌روند.

۹۰	۸۰	۷۰	۶۰	۵۰	۴۰	۳۰	۲۰	عدد
تسعون	ثمانون	سبعون	ستون	خمسون	أربعون	ثلاثون	عشرون	معادل
تسعين	ثمانين	سبعين	ستين	خمسين	أربعين	ثلاثين	عشرين	

جاء عشرون رجلاً إلى هذه الحفلة: بيست مرد به اين جشن آمدند.

أدرّس لثلاثين طالبًا في المدرسة: برای سی دانشآموز در مدرسه تدریس می‌کنم.

## مبحث: جزوه جامع عربی دهم

۴- اعداد معطوف: این اعداد مانند اعداد مرکب از دو جزء ساخته می‌شوند، با این تفاوت که دو جزء آن با حرف عطف «وَاو» به هم ربط داده می‌شود. یکان این اعداد (۱ تا ۱۰) و دهگانشان اعداد عقود است و شامل اعداد ۲۱ تا ۹۹ می‌گردد (به غیر از اعداد عقود). مثال:

٨٥ ← خمسة وثلاثون

٣٧ ← سبعة وثلاثين

٢١ ← واحد وعشرون

با دقت در معادل عربی این اعداد متوجه می‌شویم که در خواندن و نوشتن این اعداد، ابتدا یکان و سپس دهگان خوانده و نوشته می‌شود. مثال:

٧٥ ← سبعة و پنج

٩٨ ← ثمانية وتسعون

اکنون به سوالات زیر پاسخ دهید:

$$10 \times 3 = 30$$

۱- عَشَرَةُ فِي ثَلَاثَةِ يُساوِي ثَلَاثِينَ.

۲- تِسعُونَ ناقِصٌ عَشَرَةُ يُساوِي ثَمَانِينَ.

۳- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُساوِي عِشرِينَ.

جدول زیر را کامل کنید:

أَحَدَعَشَرَ	ثَلَاثَةَعَشَرَ	أَرْبَعَةَعَشَرَ	.....	عِشرُونَ
سَبَعَةَعَشَرَ	ثَمَانِيَةَعَشَرَ	.....	.....	وَاحِدَ وَعِشرُونَ
إِثْنَانِ وَعِشرُونَ	.....	أَرْبَعَةُ وَعِشرُونَ	.....	.....
سِتَّةُ وَعِشرُونَ	ثَمَانِيَةُ وَعِشرُونَ	تِسْعَةُ وَعِشرُونَ	.....	ثَلَاثُونَ

## فَنُ التَّرْجِمَةِ

با فعلهای «قام، جاء و أتى» و معنای آنها آشنا شدید. قام: ایستاد، جاء و أتى: آمد. این فعلها فعلهایی ناگذرنده و نیازی به مفعول ندارند. اما معنی این فعلها در صورتی که با حرف «بـ» به کار روند، تغییر میکند و به صورت فعل گذار (نیازمند به مفعول) ترجمه میشوند:

قام بـ: انجام داد، اقدام کرد. مثال: ← قام: ایستاد

قام أخـي بتلـويـن الصـورـ: برـادرـمـ بـهـ رـنـگـ آـمـيـزـ تصـاوـيرـ پـرـداـخـتـ / تصـاوـيرـ رـاـ رـنـگـ آـمـيـزـ كـرـدـ.

جـاءـ وـ أـتـىـ: آـمـدـ ← جـاءـ - أـتـىـ بـ: آـوـرـدـ. مـثـالـ:

جـاءـ صـديـقـيـ المـضـيـافـ بـالـطـعـامـ لـنـاـ: دـوـسـتـ مـهـمـانـ نـواـزـمـ بـرـايـمانـ غـذاـ آـوـرـدـ.

أـنـاـ سـوـفـ آـتـيـ بالـكـتـابـ غـدـاـ: مـنـ فـرـداـ كـتـابـ رـاـ خـواـهـمـ آـوـرـدـ.

آیات زیر را ترجمه کنید:

۱- ﴿فَلَمَّا جَاءُهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا أَقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾ غافر: ۲۵

۲- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾ آلرّوم: ۴۷

الدرس الثالث:

موضوع الدرس: أشكال الفعل (١)

به این فعل‌های زیر توجه کنید



گروه ۲	گروه ۱
أَخْرَجَ: بِيَرُونَ كَرَد	خَرَجَ: خارج شد
عَلَمَ: آموزش داد	عَلَمَ: دانست
انْكَسَرَ: شَكَسَتَهُ شَدَ	كَسَرَ: شَكَسَتَ
اشْتَغَلَ: بِهِ كَارَ گَرَفَت	شَغَلَ: مشغول کرد
تَكَاتَبَ: نَامِهِنَگَارِي کَرَد	كَتَبَ: نوشت
تَحْمِلَ: بِهِ عَهْدَهُ گَرَفَت	حملَ: به دوش کشید
إِسْتَغْفَرَ: آمْرَزَشَ خَواَسَت	غَفَرَ: آمرزید

۱- ریشه فعل‌های گروه ۱ و ۲ چند حرفی است؟

۲- در گروه ۲ به غیر از حروف اصلی ریشه فعل چه حرف یا حروف دیگری را مشاهده می‌کنید؟

۳- چه تفاوتی در ترجمه این دو گروه فعل ملاحظه می‌کنید؟

## مبحث: جزوه جامع عربی دهم

می‌بینیم که:

۱- ریشه فعل هر دو گروه ۳ حرفی (ثلاثی) است.

۲- در گروه ۲، حرف یا حروف زائی (مزید) بر حروف اصلی وجود دارد.

۳- با تغییر فعال‌های گروه ۱ به ۲، در ترجمه آنها نیز تغییراتی به وجود آمد.

نتیجه:

فعال‌های سه‌حرفی در زبان عربی به دو شکل دیده می‌شوند:

۱- فعل‌هایی که صیغه اول شخص مفرد ماضی‌شان، فقط سه حرف دارند و به آنها **ثلاثی مجرّد** گفته می‌شود.۲- فعل‌هایی که صیغه اول شخص مفرد ماضی‌شان، بیش از سه حرف دارند و به آنها **ثلاثی مَزِيد** گفته می‌شود.

-۳-

**نکته ۱: معیار تشخیص حروف اصلی یا زائد یک فعل، صیغه اول شخص مفرد ماضی آن فعل است.** برای به دست آوردن این صیغه از فعل، می‌توان هر حرفی به غیر از سه حرف اصلی را از ابتدا و انتهای آن فعل حذف نمود تا سه حرف اصلی نمایان شود. مثال:

حروف زائد	فعل ثلاثی مزید	فعل ثلاثی مجرد
أ	أخرجـن ← أخرـج	خرـجم ← خـرج
تكرار عين الفعل	عـلـم      عـلـمـتـ	عـلـم      عـلـمـتـ
إ - ن	إـنـكـسـرـ      إـنـكـسـرـتـمـ	كـسـرـ      كـسـرـنـا
إ - ت	إـشـتـغـلـ      إـشـتـغـلـوـنـ	شـغـلـ      يـشـغـلـوـنـ
ت - ا	تـكـاتـبـ      تـكـاتـبـ	كـتـبـ      تـكـتـبـيـنـ
ت - تكرار عين الفعل	تـحـمـلـ      تـحـمـلـ	حـمـلـ      نـحـمـلـ
إ - س - ت	إـسـتـغـفـرـ      إـسـتـغـفـرـوـنـ	غـفـرـ      غـفـرـتـ

مبحث: جزوه جامع عربی دهم

ملاحظه کردید که با این روش، می‌توان به راحتی به صیغه اول شخص مفرد ماضی یک فعل رسید و به این شکل ثلاشی مجرد یا مزید بودن آن فعل را تعیین کرد. ولی در مورد فعل‌هایی که حرف همزه ماضی آنها در مضارعشان حذف می‌شود، به مشکل برمی‌خوریم و به راحتی نمی‌توانیم از مضارع این افعال، به همزه ماضی آنها پی ببریم. لازم است که در اینجا راه دقیق و علمی تشخیص فعل‌های ثلاشی مزید از مجرد را یاد بگیریم.

نکته ۲: راه دقیق و علمی تشخیص فعل‌های ثلاشی مزید، شناخت وزن‌های معروف آنها است. این وزن‌ها در مجموعه‌هایی به ما معرفی شده است که باید آنها را به خاطر بسپاریم تا با شنیدن و دیدن این وزن‌ها، فعل‌های مزید را تشخیص دهیم.

آشنایی با اوزان (وزن‌ها) ثلاشی مزید.

برای یادگیری این وزن‌ها، هر یک از آنها را در مجموعه‌ای با نام مشخص به شما معرفی می‌کنیم و شما هم با الگوبرداری، فعل‌های مشابه را تکرار کنید.

۱- استفعال



**نکته ترجمه ۱:** فعلها و مصادر دارای این وزن، غالباً بیانگر مفهوم درخواست هستند. مثال:

إِسْتَغْفِرُ رَبِّكَ : از پروردگارت آمرزش بخواه.

هم یسترجعون کتبهم : آنها کتابهایشان را پس می‌گیرند.

٢- إفتعال

ماضي	إفتَّعل: إِشْتَغَلَ - إِجْتَمَعَ - إِحْتَفَلَ - إِفْتَخَرَ
مضارع	يَفْتَّعلُ: يَشْتَغِلُ - يَجْتَمِعُ - ..... - ..... - ..... -
امر	أَفْتَّعلْ: أَشْتَغِلْ - أَجْتَمِعْ - ..... - ..... - ..... -
مصدر	إفتَّعال: إِشْتَغَالٌ - إِجْتَمَاعٌ - ..... - ..... - ..... -

٣- إنفعال

<b>ماضي</b>	إِنْفَعَلَ: إِنْقَلَبَ - إِنْصَرَفَ - إِنْبَسَطَ - إِنْكَشَفَ - إِنْقَطَعَ
<b>مضارع</b>	يَنْفَعِلُ: يَنْقَلِبُ - يَنْصَرِفُ - ..... - ..... - .....
<b>أمر</b>	إِنْفَعِلْ: إِنْقَلِبْ - إِنْصَرِفْ - ..... - ..... - .....
<b>مصدر</b>	إِنْفَعَال: إِنْقَلَاب - إِنْصَرَاف - ..... - ..... - .....

نکته ترجمه: فعل‌ها و مصادر سه مجموعه (افتعال - انفعال - ) ، غالباً به صورت فعل ناگذر (بدون نیاز به مفعول) ترجمه می‌شوند. مثال:

اللَّاَمِيْدُ يَجْتَمِعُونَ فِي الصَّفِ: دانشآموزان در کلاس گرد هم می‌آیند.

أَنْتَمْ إِنْصَرَفْتُمْ عَنْ عَمْلِكُمْ: شما از کارتان کناره‌گیری کردید.

#### ٤- تَفَعُّل

ماضی	تَفَعَّل: تَنَزَّل - تَشَكَّر - تَحَمَّل - تَقْبَل - تَفَضَّل
مضارع	يَتَفَعَّل: يَتَنَزَّل - يَتَشَكَّر - ..... - ..... - .....
أمر	تَفَعُّل: تَنَزَّل - تَشَكَّر - ..... - ..... - .....
مصدر	تَفَعُّل: تَنَزَّل - تَشَكَّر - ..... - ..... - .....

اکنون با تمرین و تکرار وزن‌های بالا، می‌توانید فعل‌های مشابه را به کار ببرید.

#### تَرِجمَةُ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةَ.

ماضی	مضارع	أمر	مصدر
إِسْتَغْفَرَ: اسْتَغْفار	يَسْتَغْفِرُ: إِسْتَغْفِرْ	: إِسْتَغْفِرْ	: إِسْتَغْفَرَ
إِعْتَذَرَ: اعْتِذار	يَعْتَذِرُ: إِعْتَذِرْ	: إِعْتَذِرْ	: إِعْتَذَرَ
إِنْقِطَاعَ: انْقِطَاع	يَنْقَطِعُ: إِنْقَطِعْ	: إِنْقَطِعْ	: إِنْقَطَاعَ
تَكَلَّمَ: تَكَلْمَ	يَتَكَلَّمُ: تَكَلَّمْ	: تَكَلَّمْ	: تَكَلَّمَ

## ترجمة جمل هذه الجداول.

الجدول الأول: امتناع ، يمتنع «امتناع : خودداري كردن»

إخواني لا يمتنعون.	يا حبيبي، امتنع.	يا زميلاتي، هل امتنعت؟	أنا امتنع.	هؤلاء امتنعوا.

الجدول الثاني: استغفار ، يستغفر «استغفار : آمرزش خواستن»

ألا تستغفر أنت؟	استغفر ربك.	نحن يستغفرون.	المؤمن يستغفر.	هل استغفرت؟

الجدول الثالث: انقطاع ، ينقطع «انقطاع : قطع شدن»

السجرتان ما انقطعتا.	لا ينقطع رجائي.	لا تقطع يا مطر.	انقطع يا مطر.	انقطعت الكهرباء.

الجدول الرابع: تعلم ، يتعلّم «تعلم : ياد گرفتن»

تعلّموا أنتم.	أأنتم تتعلّمون؟	تعلم يا صديقي.	نحن تعلّمنا.	زملاي تعلّموا.

در جای خالی فعل مناسب قرار دهید:

- |                                 |                                   |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| <input type="checkbox"/> اغفر   | <input type="checkbox"/> استغفر   |
| <input type="checkbox"/> نخرج   | <input type="checkbox"/> تتخرّج   |
| <input type="checkbox"/> قطاع   | <input type="checkbox"/> انقطاع   |
| <input type="checkbox"/> ينتظر  | <input type="checkbox"/> ينتظِر   |
| <input type="checkbox"/> سلّمنا | <input type="checkbox"/> استلمّنا |

١- فاصير إن وعد الله حق و ..... لذنيك  الْغافِر: ٥٥

٢- إن شاء الله سوف ..... كُلُّنَا مِنَ الْمَدَرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ.

٣- إلهي قد ..... رجائي عن الخلق و أنت رجائي.

٤- كان صديقي ..... والده للرجوع إلى البيت.

٥- أنا و زميلى ..... رسائل عبر الإنترنـت.

## الدرس الرابع

### موضوع الدرس: أشكال الأفعال ٢

در این درس به بررسی ۴ مجموعه دیگر از وزن‌های فعل‌های ثلثی مزید می‌پردازیم:

#### ٥- تفاعلُ

ماضي	تفاعلَ: تَعَايشَ - تَنَازَعَ - تَكَاتَبَ - تَهاجَمَ - تَفَاخَرَ
مضارع	يَتَفَاعِلُ: يَتَعَايشُ - يَتَنَازَعُ - ..... - ..... - .....
أمر	تَفَاعِلُ: تَعَايشْ - تَنَازَعْ - ..... - ..... - .....
مصدر	تَفَاعُلُ: تَعَايشُ - تَنَازُعُ - ..... - ..... - .....

نکته ترجمه: فعل‌ها و مصادر دارای این وزن، غالباً بیانگر مفهوم مشارکت دو طرفه هستند. مثال:

تَكَاتَبَ عَلَيْ و صَدِيقُهُ عَبَرَ الإِنْتَرْنَتْ: عَلَى و دُوْسْتَش از طریق انترنت با هم نامه‌نگاری کردند.

يَتَعَالَمُ عَلَيْ و صَدِيقُهُ فِي الشُّؤُونِ الْمُخْتَلِفَةِ: عَلَى و دُوْسْتَش در کارهای مختلف با هم داد و ستد می‌کنند.

#### ٦- مُفاعَلة

ماضي	فَاعَلَ: كَاتَبَ - دَافَعَ - شَارَكَ - هَاجَمَ - سَابَقَ
مضارع	يُفَاعِلُ: يُكَاتِبُ - يُدَافِعُ - ..... - ..... - .....
أمر	فَاعِلُ: كَاتِبٌ - دَافِعٌ - ..... - ..... - .....
مصدر	مُفَاعَلَة: مُكَاتَبَة - مُدَافَعَة - ..... - ..... - .....

نکته ترجمه: فعل‌ها و مصادر دارای این وزن، غالباً **بیانگر مفهوم مشارکت یکطرفه** هستند. مثال:  
**کاتب علی صدیقه عبر الإنترنت**: علی با دوستش از طریق اینترنت نامه‌نگاری کرد.  
**یُشارِكُ علی صدیقه في الشؤون المختلفة**: علی با دوستش در کارهای مختلف مشارکت می‌کند.

## ۷- إفعال

**أفعَل**: أَرْشَدَ - أَكْرَمَ - أَحْسَنَ - أَجْلَسَ - أَرْسَلَ

ماضی

**يُفْعِلُ**: يُرْشِدُ - يُكْرِمُ -

مضارع

**أَفْعَلُ**: أَرْشِدٌ - أَكْرِمٌ -

أمر

**إِفْعَال**: إِرْشَادٌ - إِكْرَامٌ -

مصدر

توجه کنید:

همزه امر فعل‌های این مجموعه، همیشه مفتوح (——) است. زیرا اگر طبق قاعده گذشته و مانند سایر فعل‌ها مكسور (——) گردد، با امر فعل‌های ثلاثی مجرد اشتباہ می‌شود.

## ۸- تفعیل

**فَعَّل**: عَلَمَ - كَرَمَ - فَرَحَ - عَدَلَ - نَزَّلَ

ماضی

**يُفْعَلُ**: يَعْلَمُ - يُكَرِّمُ -

مضارع

**فَعْلُ**: عَلَمٌ - كَرَمٌ -

أمر

**تَفْعِيل**: تَعْلِيمٍ - تَكْرِيمٍ -

مصدر

## مبحث: جزوه جامع عربی دهم

نکته ترجمه: فعلها و مصادر دو مجموعه (إفعال - تفعيل)، غالباً گذرا (نيازمند به مفعول) هستند. مثال:

فرّح الطالبُ المجتهَدُ والدَه بسبَبِ نجاحِه في الامتحان: دانشجوی موفق به سبب موفقیتش در امتحان، پدرش را خوشحال نمود.

نحنُ قُمنا بتنزيل الكتاب من الإنترت: ما كتاب را از اينترنت گرفتيم (دانلود کردیم).

ترجم الأفعال.

مصدر	امر	مضارع	ماضي
تعامل: داد و ستد کردن	تعامل:	يتعامل:	تعامل:
تعلیم: یاد دادن	علّم:	يعلّم:	علّم:
مُکاتَبَة: نامه‌نگاری کردن	کاتِبْ:	يُکاتِبْ:	كاتب:
إِذْخَال: داخِل کردن	أَذْخِلْ:	يُذْخِلْ:	أَذْخَلَ:

### ترجمة جمل هذِهِ الجداولِ.

الجدول الأول: تَعَارَفَ ، يَتَعَارَفُ تَعَارُفٌ : باهم آشنا شدن

أَنْتُمْ تَعَارِفُتُمْ؟	نَحْنُ مَا تَعَارَفْنَا.	أَنْتُمْ سَتَعَارِفُونَ.	الطَّالِبَاتُ يَتَعَارَفْنَ.	الْزُّمَلَاءُ تَعَارِفُوا.

الجدول الثاني: نَزَّلَ ، يُنَزِّلُ تنزيل : پایین آوردن

رجاءً نَزَّلنَ الْأَطْفَالَ.	أَنْتُمْ نَزَّلْتُمْ أَمْ هُمْ نَزَّلُوا؟	أَنْتَمْ نَزَّلُونَ الْبَضَائِعَ؟	الْعُمَالُ مَا نَزَّلُوا شَيْئًا.	أَنَا سَوْفَ نَزَّلْتُ.

الجدول الثالث: دافعَ ، يُدَافِعُ مُدَافَعَةٌ : دفاع كردن

يا جُنُودُ، دافِعوا.	دَافِعْ عَنْ نَفْسِكَ.	هُمْ دَافَعُوا.	إِنَّهُ لَا يُدَافِعُ.	الْجُنُودُ يُدَافِعُونَ.

الجدول الرابع: أَجْلَسَ ، يُجْلِسُ إِجْلَاسٌ : نشانیدن

رجاءً أَجْلِسُوا الضَّيْوفَ.	إِنَّهُ قَامَ بِإِجْلَاسِ الْحَاضِرِينَ.	الْأُمَّهَاتُ يُجْلِسْنَ الْأَوْلَادَ.	هُمْ أَجْلَسُوا الْأَطْفَالَ.

گزینه صحیح را انتخاب کنید:

- حاول       حَوَّل       تَحَوَّل      ۱- الْمَاضِي مِنْ «يُحاوِل» :
- يُحَدِّرُ       يَحْدَرُ       يُحَذِّرُ      ۲- الْمُضَارِعُ مِنْ «حَذَرَ» :
- إِقْعَاد       تَقْعِيد       تَقَاعُدَ      ۳- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَقَاعَدَ» :
- تَدَخَّلَي       أَدْخِلَي       أُدْخُلَي      ۴- الْأَمْرُ مِنْ «تُدْخِلِينَ» :
- لَا تُقْبِلُوا       لَا تَقْبِلُوا       لَا تُقَبِّلُوا      ۵- الْنَّهِيُّ مِنْ «تُقَبِّلُونَ» :

## الدرس الخامس

### موضوع الدرس: الجملة الفعلية والجملة الإسمية

با نگاهی به جملات در زبان عربی می بینیم که با یکی از این دو نوع کلمه شروع می شود: ۱- اسم ۲- فعل

با توجه به همین موضوع، جملات را به دو گروه تقسیم می کنند: ۱- جمله اسمیه ۲- جمله فعلیه

۱- جمله اسمیه: جمله‌ای است که با اسم شروع می شود و از دو رکن اساسی تشکیل می گردد:

۱- مبتدا (نهاد): اسمی که در ابتدای جمله اسمیه قرار می گیرد و جمله با آن آغاز می شود. مثال:

الطالب يجتهد في أعماله: دانشآموز در کارهایش تلاش می کند.

طالب الصف يأخذ كتاباً من المكتبة: دانشآموز کلاس کتابی را از کتابخانه می گیرد.

طالب مجتهد نجح في الامتحان: دانشآموز تلاشگری در امتحان قبول شد.

۲- خبر (گزاره): کلمه یا کلماتی (اسم - فعل) است که با وجود آنها معنای جمله کامل می شود و اصطلاحاً خبری را درباره مبتدا ارائه می دهد. مثال:

الفلاح المجد يزرع أشجار التفاح: کشاورز کوشان درختان سیب را می کارد.

ثمرة العلم إخلاص العمل: ثمره دانش اخلاص در کردار است.

النجاة في الصدق: رهایی در راستگویی است.

نکته ۱: خبر همیشه بلافاصله بعد از مبتدا نمی آید. پس بهترین راه تشخیص خبر، توجه به ترجمه جمله است تا بینیم با کدام کلمه یا کلمات، معنای جمله کامل می شود. در حقیقت، اگر خبر از جمله حذف شود، مفهوم جمله ناقص می گردد. مثال:

النجاح في حياة الإنسان لا يحصل بدون الاجتهد: موفقیت در زندگی انسان بدون تلاش به دست نمی آید.

نکته ۲: مبتدا و خبر ارکان جمله اسمیه هستند و می‌توانند به کلمه‌ای اضافه شوند ( مضاف باشند) و یا به وسیله کلمه‌ای توصیف گردند (صفت داشته باشند).

مضاف: سیدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ      صفت: الْمُعَلِّمُ الْمُشْفِقُ يَدْرُسُ لِلْتَّلَامِيْذَ

۲- جمله فعلیه: جمله‌ای است که با فعل (ماضی- مضارع- امر - نهی) شروع می‌شود. واضح است که برای انجام یا تحقق هر فعلی به انجامدهنده یا فاعل نیازمندیم. فعل‌های گذارا، علاوه بر فاعل به مفعول هم نیازمند است. بنابراین ارکان جمله فعلیه عبارتند از:

فعل (ناگذر) + فاعل: لَا تَحْرِكْ عَيْنَ الْبُومَةِ: چشم جعد حرکت نمی‌کند.

فعل (گذرا) + فاعل + مفعول: تُحُولُ الْأَسْمَاكُ الْمُضَيَّةَ ظَلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُّضِيءٍ: ماهی‌های نورانی تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کنند.

مبتدا و خبر را در جملات زیر مشخص کنید:

۱- اللَّدُمْ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲- أَكْبَرُ الْحُمْقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدِحِ وَالْلَّدَمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- ذَنْبٌ وَاحِدٌ كَثِيرٌ وَأَلْفُ طَاعَةٍ قَلِيلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فعل، فاعل و مفعول را در عبارت‌های زیر مشخص کنید:

﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الفتح: ۲۶

﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْفَ: ۴۹

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾ الْأَحْزَابَ: ۲۲

## فَنُ التَّرْجِمَةِ

گاهی از اوقات، فعل مضارع تحت تأثیر کلماتی قرار می‌گیرد که قبل از آن وارد می‌شوند. این تغییر در دو زمینه ساختار و ترجمه این فعل اتفاق می‌افتد. حرف «آن» یکی از آن کلماتی است که بر لفظ و معنای فعل مضارع تحت تأثیر می‌گذارد و آن را از مضارع إخباری به مضارع إلتزامی تبدیل می‌کند. مثال:

﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ التور: ۲۲ آیا دوست ندارید **که** خدا شما را بیامرزد؟

مالحظه می‌کنید که فعل «آن یغفر» به صورت مضارع التزامی ترجمه شد. به چند مثال دیگر هم توجه کنید.

<b>آن</b> یستفید: که بهره ببرد	یستفید: بهره می‌برد	<b>آن</b> یغفر: که بیامرزد	یغفر: می‌آمرزد
<b>آن</b> یدیر: می‌چرخاند	یدیر: که بچرخاند	<b>آن</b> یفهم: که بفهمد	یفهم: می‌فهمد

به فارسی ترجمه کنید.

۱- ﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَ وَهُوَ الْخَلَقُ الْعَلِيمُ﴾ یس: ۸۱

۲- ﴿قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ الأنعام: ۳۷

۳- ﴿يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾ الأعراف: ۱۱۰

## الدرس السادس

### موضوع الدرس: فعل مجهول

در تمام زبان‌ها برای انجام یا تحقق هر فعلی به انجام‌دهنده یا فاعلی نیازمندیم. اما گاهی و بنا به عواملی (مشخص‌بودن فاعل، عدم تمايل در ذکر فاعل و....)، از ذکر فاعل در جمله خودداری می‌کنیم. به این ترتیب، فعل به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱- فعل معلوم: فعلی که فاعلش در جمله ذکر شده باشد: خَلَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ ضعيفاً: خدا انسان را ضعیف آفرید.

۲- فعل مجهول: فعلی که فاعلش در جمله ذکر نشده نباشد: خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضعيفاً: انسان ضعیف آفریده شد.

با دقت بر دو این مثال و ترجمه آنها به تغییراتی در جمله مجهول پی می‌بریم:

الف) حذف فاعل ب) جانشینی مفعول به جای فاعل در جمله و هماهنگی فعل با آن (ج) تغییر ساختار فعل

دو مورد (الف و ب) در زبان عربی و فارسی مشترک هستند، اما تغییر فعل معلوم به مجهول در این دو زبان با هم تفاوت دارد:

- زبان فارسی: ریشه فعل + پسوند (ه) + فعل (شد) آفریده شد.

- زبان عربی: تغییر حرکات فعل

چگونه فعل عربی را به مجھول تبدیل کنیم؟

- ۱- فعل ماضی: حرف دوم ریشه فعل (نه حرف دوم فعل) را مکسور (\_\_\_\_) و قام حروف متحرک (به غیر از حروف ساکن) قبل از آن را مضموم (\_\_\_\_) می‌کنیم:

خَلَقَ ← خُلِقَ      أَرْشَدَ ← أُرْشَدَ      إِشْتَغَلَ ← إِشْتُغِلَ      إِسْتَخْرَجَ ← أَسْتُخْرِجَ

- ۲- فعل مضارع: حرف دوم ریشه فعل (نه حرف دوم فعل) را مفتوح (\_\_\_\_) و فقط حرف مضارعه را مضموم (\_\_\_\_) می‌کنیم:

يَخْلُقُ ← يُخْلِقُ      يُرْشِدُ ← يَرْشَدُ      يَشْتَغِلُ ← يُشْتَغَلُ      يَسْتَخْرِجُ ← يُسْتَخْرَجُ

خودآزمایی ۱: آیات زیر را به فارسی ترجمه و سپس فعل مجھول را مشخص کنید.

﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَيْلِ كَيْفَ خُلِقُتْ﴾  
العاشرة: ۱۷

﴿يُعرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾  
آلرَّحْمَن: ۵۰

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾  
آلبَّقَرَة: ۱۸۳

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾  
آلبَّقَرَة: ۱۸۵

خودآزمایی ۲: فعلهای جدول را ترجمه کنید.

فُتح:	فتح:	تُنَصَّرونَ:	تَنَصُّرونَ:
يُخْرِجُ:	يُخْرِجُ:	يُشَاهِدُونَ:	يُشَاهِدُونَ:
أُسْتُخْدِمَ:	إِسْتَخْدَمَ:	يُخَرَّبُ:	وُخَرَّبُ:

### فَنُ التَّرْجِمَةِ

در سال گذشته با ترکیب‌های اضافی - وصفی در زبان عربی آشنا شدیم و به تفاوت آن با زبان فارسی پی بردیم؛ یادگرفتیم که صفت در ترکیب‌های اضافی - وصفی عربی بعد از مضاف الیه، ولی در فارسی قبل از مضاف الیه قرار می‌گیرد. مثال: شَجَعْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزَ أَمْسِ: دیروز تیم برنده‌مان را تشویق کردیم.

أَشْتَغَلْ فِي مَرْعِتَنَا الْكَبِيرَةِ كُلَّ يَوْمٍ: هر روز در کشتزار بزرگمان کار می‌کنم.

مالحظه می‌کنید که کلمه سوم (صفت) در ترکیب‌های اضافی - وصفی، همواره با (ال) به کار می‌رود. اکنون به مثال‌های زیر توجه و آنها را با هم مقایسه کنید:

حقيقة سعید جميلة: کیف سعید زیباست.

۱- حقیقت سعید الجميلة: کیف زیبای سعید

أعماله صالحة: کارهای او زیباست.

۲- أعماله الصالحة: کارهای زیبای او

صدیقی مجتهد: دوست تلاشگر است.

۳- صدیقی المجهد: دوست تلاشگر

www.3gaaam.com

نتیجه: تا زمانی چنین کلماتی را به صورت ترکیب اضافی - وصفی ترجمه می‌کنیم که اسم سوم (صفت) به همراه (ال) باشد. اگر این اسم، بدون (ال) باشد، صفت نیست و خبر جمله محسوب می‌شود و در ترجمه با فعل (است) همراه می‌گردد.

خودآزمایی: آیات زیر را به فارسی ترجمه و سپس موصوف و صفت را مشخص کنید.

﴿فَسَبَّحَ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ آلواقعه: ۹

﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ یوسف: ۲۴

السلامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

## مبحث: جزوه جامع عربی دهم

## الدرس السابع

## موضوع الدرس: الجار والمجرور

جملات در هر زبانی از دو بخش تشکیل می‌شوند:

۱- ارکان اساسی      ۲- قیدها و متممها

در درس قبلی با انواع جمله و ارکان آنها و برخی قیدها مانند مضاف الیه، صفت آشنا شدیم. قصد داریم در این درس درباره متممها در زبان عربی صحبت کنیم. به این جمله توجه کنید:

دانشآموزان به کلاس رفتند: ذهب التلاميذ إلى الصَّفِّ.

در زبان فارسی، «به» حرف اضافه و «کلاس» متمم و «به کلاس» گروه متمم نامیده می‌شود. معادل این دو کلمه در زبان عربی، «إلى الصَّفِّ» است. گروه متمم را در زبان عربی «جار و مجرور» می‌نامند.

به هر یک حروف «منْ، في، إلَى، عَلَى، بِـ لـ عَنْ، كـ» در زبان عربی «جار: حرف جر» و به اسم بعد از آن «مجرور» و به هر دو کلمه با هم، «جار و مجرور» گفته می‌شود. جار و مجرور باعث کاملتر شدن معنای جمله می‌شوند، ولی از جمله قابل حذف هستند. مثال:

مِنْ قَرِيَةٍ، فِي الْغَابَةِ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ، عَلَى الْوَالِدَيْنِ، بِالْحَافِلَةِ، لِلَّهِ، عَنْ نَفْسِهِ، كَجَبَلٍ

معانی حروف جر	
... حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ﴿٩٢﴾ آل عمران:	از
تا اتفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَا = مِنْ + ما)	منْ

معانی حروف جر	
... أَسَاوَرَ مِنْ فِضَّةٍ ﴿٢١﴾ الإنسان :	از
دست‌بندهایی از جنس نقره	منْ

مبحث : جزو ه جامع عربی دهم

فی در		<p>﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً﴾ البقرة : ٢٩ او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.</p>
إلى به		<p>﴿قَالَ كَمْ لَيْثَتْ قَالَ لَيْثَتْ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَيْثَتْ مائَةً عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ﴾ الإسراء : ١ گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنیات بنگر.»</p>
به سوی		<p>﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ الإسراء : ١ پاک است کسی که بندهاش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجدالاقصی حرکت داد.</p>
تا کار می کرد.		<p>كانَ الْفَلَاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْأَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيلِ. کشاورز از صبح تا شب در مزرعه</p>
على بر		<p>النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.</p>
بر وسیله		<p>الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْضَدَةِ. کیف روی میز است.</p>
بـ		<p>﴿إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَمَ بِالْقُلُمِ﴾ العلق : ٣ و ٤ بخوان و پروردگارت گرامیترین است؛ همان که به وسیله قلم آموخت.</p>
در		<p>وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ آل عمران : ١٢٣ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.</p>

مبحث: جزوه جامع عربی دهم

لـ	داشتن	لـ	
از آن	هر گناهی جز بداخلانی توبه دارد.	لـ	
برای	لـما زارَجَعْتَ؟ لِأَنِّي نَسِيْتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.	عنْ	
از	وَهُوَ الَّذِي يَقْبُلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ الشوری: ۲۵	از	
درباره	وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ... ﴿١٨٦﴾ البقرة: ۱۸۶	درباره	
مانند	فَضْلُ الْعَالَمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رسول الله ﷺ	گـ	

نکته ۱: گاهی اوقات از جار و مجرور به عنوان خبر در جمله استفاده می‌شود و از جمله قابل حذف نیست. مثال:

النجاة في الصدق: رهایی در راستگویی است. جار و مجرور= خبر

سلامة العيش في المُدَاراة: سلامت زندگی در مهربانی (با مردم) است. جار و مجرور= خبر

نکته ۲: گاهی اوقات، خبر جار و مجرور با هدف تأکید بر یک موضوع، قبل از مبتدا قرار می‌گیرد. مثال:

في التأخير آفات: (قطعاً) آسیب‌هایی در به عقب انداختن (کار) وجود دارد.

في الصدقة نجاة: (بدون شک)، رهایی در راستگویی است.

## نون الْوِقَايَةِ

یک قاعده کلی در زبان عربی به نام تناسب حروف «و - ا - ی» با حرکت قبل وجود دارد که باید رعایت شود:

( ) ي      ( ) ا      ( ) و

به هنگام اتصال یک فعل به ضمیر (ی) مفعولی نیز باید این تناسب وجود داشته باشد. اما این نکته را بدانید که هیچ فعلی در زبان عربی مجرور ( ) نمی‌شود. بنابراین برای جلوگیری از این اتفاق و محافظت فعل از مجرور شدن، قبل از ضمیر (ی) از یک حرف (نـ) کمک می‌گیریم. به همین علت به این حرف «نون وقاية» گفته می‌شود.

مثال:

هو نصري في إداء واجبات المدرسة: دوستم هي در انجام تکاليف مدرسه ياری کرد.  
هل أنت تعرفني؟: آیا مرا می‌شناسی؟  
هم يحترمونني: آنها به من احترام می‌گذارند.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُملَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهیم : ۴۰

۲- اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَمْتَنِي وَعَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

## الدرس الثامن

### صناعة التلميع في الأدب الفارسي: صنعت تلميع در ادبیات فارسی

موضوع الدرس: اسم الفاعل، واسم المفعول، واسم المبالغة

برخی از اسمها در زبان عربی از فعل ساخته می‌شوند و هر کدام به نوعی در ارتباط با فعل هستند. سه مورد از این اسمها عبارتند از: اسم فاعل - اسم مفعول - اسم مبالغه

۱- اسم فاعل: اسمی است که به انجام‌دهنده کار اشاره می‌کند و در زبان فارسی به صفت فاعلی شناخته می‌شود.

صفت فاعلی عبارت است از: ریشه فعل + پسوند (نده - گر - ا). مثال:

دانستن ← دانا      یاری کردن ← یاریگر      نویسنده ← نوشتن

اسم فاعل در زبان عربی از دو نوع فعل (ثلاثی مجرد و مزید) ساخته شود:

اسم فاعلِ ثلاثی مجرد: بر وزن (فاعل) به کار می‌رود. مثال:

کتاب ← کاتب: نویسنده      نصر ← ناصر: یاریگر      عالم ← عالم: دانا

اسم فاعلِ ثلاثی مزید: با «مـ» شروع می‌شود و یک حرف مانده به آخر ریشه فعل، کسره (ـ) می‌گیرد. مثال:

یعلم ← مـحـلـم: آموزش‌دهنده      اقتـرح ← مـقـتـرـح: پیشنهاد‌دهنده

يـتـعـلـم ← مـتـعـلـم: يادگـرـنـدـه

۲- اسم مفعول: اسمی است که به انجام‌شده کار اشاره می‌کند و در زبان فارسی به صفت مفعولی شناخته می‌شود.

صفت مفعولی عبارت است از: ریشه فعل + ـشـهـ . مثال:

نوشتن ← نوشته شده      یاری کردن ← یاری شده      دانستن ← دانسته شده

اسم مفعول هم در زبان عربی از دو نوع فعل (ثلاثی مجرد و مزید) ساخته شود:

اسم مفعول ثلاثی مجرد: بر وزن (مفعول) به کار می‌رود. مثال:

گَتَبَ ← مكتوب: نوشته شده      عَلِمَ ← معلوم: دانسته شده      نَصَرَ ← منصور: یاری شده

اسم فاعلٍ ثلاثی مزید: با «مـ» شروع می‌شود و یک حرف مانده به آخر ریشه فعل، فتحه (ـ) می‌گیرد. مثال:

يُعْلَمُ ← مُعَلَّمٌ: آموزش داده شده      اقتَرَحَ ← مُقْتَرَحٌ: پیشنهاد داده شده

يَتَعَلَّمُ ← مُتَعَلَّمٌ: یادگرفته شده

**اخْتَرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَ الدُّعَاءَ، ثُمَّ عَيْنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ.**

الكلمة	الترجمة	اسم المفعول	اسم الفاعل
يُعْلَمُ : یاد می‌دهد	مُعَلَّمٌ		
يَعْلَمُ : می‌داند	عَالِمٌ		
اقْتَرَحَ : پیشنهاد کرد	مُقْتَرَحٌ		
يُجَهَّزُ : آماده می‌کند	مُجَهَّزٌ		
ضَرَبَ : زد	مَضْرُوبٌ		
يَتَعَلَّمُ : یاد می‌گیرد	مُتَعَلَّمٌ		

۳- اسم **مبالغه**: «مبالغه» در لغت به معنای «افراط و زیاده روی» است. این اسم بیانگر «زیاد بودن یک صفت» و در فارسی دارای پیشوند «بسیار» است. این اسم در زبان عربی بر دو وزن به کار می رود:

صَبَارٌ: بسیار شکیبا

عَلَمٌ: بسیار دانا

۱- **فعّال**: غُفار: بسیار آمرزنده

أَمْارَةٌ: بسیار فرمان دهنده

فَهَامَةٌ: بسیار فهمیده

۲- **فعّالة**: عَلَمَةٌ: بسیار داذا

نکته مهم

گاهی وزن «فعّال» و «فعّالة» بر شغل دلالت می کند؛ مانند خباز (نانوا)؛ حداد (آهنگر)

گاهی نیز بر ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می کند؛ مانند

فتاحه (در بازکن)؛ نظارة (عینک)؛ سیاره (خودرو)

کلمات بالا در دو حالت (دلالت بر شغل و ابزار، وسیله یا دستگاه) اسم مبالغه به

شمار نمی رود.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمَ التَّرَاكِيبَ التَّالِيَةَ.

﴿أَمَارَةٌ بِالسَّوْعِ﴾:

﴿عَلَامُ الْعُيُوبِ﴾:

﴿الْخَلَاقُ الْعَلِيمُ﴾:

﴿مَا أَنَا بِظَلَامٍ﴾:

﴿هُوَ كَذَابٌ﴾:

﴿حَمَالَةُ الْحَطَبِ﴾:

﴿يَا عَفَّارَ الدُّنْوِ﴾:

﴿لِكُلِّ صَبَارٍ﴾:

﴿الْطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ﴾:

﴿يَا سَتَارَ الْعُيُوبِ﴾:

﴿الْهَاتِفُ الْجَوَالُ﴾:

﴿مَيِّثُمُ التَّمَّارُ﴾:

﴿فَتَّاحَةُ الزُّجَاجَةِ﴾:

﴿رَسَامُ الصُّورِ﴾:

مبحث : جزوه جامع عربی دهم

تمرین ۱: کلمات جدول زیر را ترجمه کنید.

.....	حارس	.....	مرفوع	.....	داعف
.....	مُقَلَّد	.....	مُصَدِّق	.....	مَجْمُوع
.....	غَفَّار	.....	مُحْمَد	.....	مُسَافِر
.....	صَيَّاد	.....	حَمَّال	.....	رَسَّام

تمرین ۲: احادیث زیر را ترجمه و سپس اسم فاعل و مفعول را مشخص کنید.

عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْجَلِيلُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيلِ السَّوْءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

كَاتِمُ الْعِلْمِ، يَأْعُنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ وَالْطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ